

بررسی موسیقی

دوران جاهلیت و ظهور اسلام و عصر بنی امیه و بنی عباس

نغمه‌های عصرنا

بخش اول



◆ اکبر ایرانی

بیش از اعراب جاهلی در میگساری و لهو و لعب صرف وقت نکردند. ایرانیان در خوانندگی و نوازندگی پیشگام بودند، ولی اعراب جاهلی در انشاد غزل و قصیده‌های بلند، گوی سبقت را از دیگران ربوده بودند. هیچ شاعر جاهلی را نمی‌توان سراغ گرفت جز آنکه بر وصف شراب و شباب و ظواهر زنان اشعاری نسروده باشد.

ابن عبدربه در عقد الفرید^۲ می‌گوید: در هر خانه‌ای شاعری بود و خواننده‌ای، اغلب شاعران برای خوانندگان خود شعر می‌سرودند و با یکدیگر مبارزه و تحدی می‌کردند. آن چه برای عرب جاهلی اصل بود، زن بود و شتر و هر جا که بود شعر بود و سرود، بازار نخاسی (خرید و فروش بردگان) داغ بود، چنانکه بازار خرید و فروش قینه (کنیزک خواننده) داغتر بود.

جاحظ (م ۲۵۵ ه) ادیب مشهور عرب تعریف جالبی از قینه می‌کند: «چگونه ممکن است قینه از فتنه در امان باشد و عفت پیشه کند؟! حال آن که وظیفه‌اش تحریک هوای نفسانی است. به دنیا می‌آید و در جایی تربیت می‌شود که مردم را از ذکر خدا منحرف کند، فرهنگ تخنیت را رواج دهد. هرگز کلام معقول و مفید و جدی را از او نخواهی شنید. جوانمردی را از انسان می‌گیرد و مرد را بی‌غیرت می‌کند. از هزاران بی‌تی که می‌خوانند، یک بیت را نمی‌توان یافت که انسان را به یاد خدا بیندازد. اساس قینه بر غفلت از یاد خدا و ترویج عشق فتنه‌انگیز و فساد و زنا بوده است. و اگر برای ابلیس تیری نبود که با آن بنده مومن خدا را هدف گیرد و

اسلام آخرین دین آسمانی و حضرت محمد (ص) خاتم الانبیاست. تمام احکام و دستورات الهی برای سعادت و رستگاری انسان متناسب با فطرت الهی او صادر شده است. خداوند آدم را خلق کرد تا جانشین او در زمین گردد و برای تحقق این هدف، پیامبران را مبعوث کرد تا با کمک فطرت و عقل سلیم بشر، آنان را به راه راست هدایت کنند تا در دام شیطان رانده شده از درگاه حق، نیفتند. پیامبر اسلام (ص) که جوانی چوپان و بی‌سواد بود، از سوی حق تعالی برانگیخته شد تا بشریت را نجات دهد، تا نگویند ساحر است و دانش خود را از کتب پیشینیان نقل می‌کند. پیامبر اسلام در سرزمین حجاز و عصر جاهلیت که جهل و فساد و تباهی به اوج رسیده بود، به رسالت مبعوث شد و در مدت کوتاهی، تمام احکام آسمانی را به مردم جهان ابلاغ نمود. برای آشنایی با اوضاع فرهنگی جاهلیت، بهتر است نمایی از آن دوران به تصویر بکشیم تا دقیقتر با موضوع مورد بحث آشنا شویم.

اوضاع فرهنگی دوران جاهلیت

زندگی اعراب جاهلی که به صورت قبیله‌ای اداره می‌شد، چیزی جز خرافه‌پرستی، بت پرستی، رواج فسق و فجور و فساد و شهوترانی نبود. قرآن کریم آداب غلط آن دوران را نکوهش کرده است. زنده به گور کردن دختران، تقلید کورکورانه از عادت گذشتگان، بت پرستی، دشمنی‌های قبیله‌ای، مراکز فساد، جهل و بی‌سوادی، میگساری و پاده پرستی و دهها رسم و عادت غلط دیگر که اسلام به مبارزه با آنها پرداخت. مسعودی در مروج الذهب^۳ می‌گوید، هیچ ملتی بعد از رومیان،

دامی نبود که پای مسلمی را گرفتار کند، جز همین قینه او را پس بود.»

اغلب شاعران در تشبیب (وصف کردن صفات ظاهری زنان) شعر می‌گفتند و قینه‌ها آنها را می‌خواندند. قینه‌ها هم ساقی بودند، هم استاد رقص عربی و هم در جمال یکی از دیگری گیراتر، هم استاد در پیرایش و آرایش. این اشعار و آهنگها را در دوران جشن و سرور خود می‌خواندند ولی وقتی به جنگ با یکدیگر می‌پرداختند، اشعار رجز و هجو (بدگویی) سر می‌دادند و نسیب می‌خواندند. برخی شاعران خود در نوازندگی یا خوانندگی هم چیره دست بودند. مثلاً اَعشى در نواختن چنگ (= هارپ) معروف بود و او را «صَنَاجَة العرب» می‌گفتند. مراکزی که در آن موسیقی اجرا می‌شد، خانه نوعی (کاباره) می‌گفتند. حانات بسیاری رایج بود. افراد عیاش برای باده‌گساری و مشروب‌خواری به این مراکز می‌رفتند. در این مراکز زنان خواننده (قینه) با خواندن و نواختن سازهای خود - گاه فردی و گاه گروهی - که جوخه می‌گفتند - برنامه اجرا می‌کردند و گروهی آداب ساقی بودن را انجام می‌دادند. بر بام این مراکز پرچمهای مخصوصی نصب بود، چنانکه در خانه‌هایی که زنان فاحشه خود فروشی می‌کردند، پرچمهایی زده شده بود. از جمله آداب زشت جاهلیت این بود که عریان دور کعبه طواف می‌کردند و کف و سوت می‌زدند! هر قبیله‌ای بت خاص خود را در داخل کعبه نگهداری می‌کرد. تجاوز به ارحام و ارتکاب عمل قوم لوط چندان زشت دانسته نمی‌شد ... و

ظهور اسلام

در چنین جوّی پیامبر اسلام (ص) ظهور کرد. بی‌شک تغییر این شرایط جز با معجزه الهی ممکن نبود. اسلام با یکایک مظاهر فساد و فحشا مبارزه کرد. با بت پرستی و ظواهر شرک در مکه مبارزه کرد و با دیگر مظاهر کفر و فساد در مدینه کار را به اتمام رساند. اسلام کشتن دختران را تقبیح نمود و طواف کردن دور کعبه با سوت و کف زدن را منع کرد.^۵ بساط خانه‌های فساد و فحشا را برچید و با خرید و فروش قینه و مغنیه مخالفت ورزید. نصر بن حارث از شعرای دوره جاهلیت بود. برای فراگیری عود نوازی از مکه به عراق رفت و پس از مدتی که تازه خورشید اسلام طلوع کرده بود، به مکه بازگشت تا کنیزکان و قینه‌ها را تعلیم دهد.^۶ وقتی شنید اسلام ظهور کرده تصمیم گرفته از راه آموزش و پرورش قینه‌ها و مغنیه‌ها و ترویج فتنه‌گری با اسلام مبارزه کند. به هر کس که مسلمان می‌شد، کنیزکی اهدا می‌کرد، تا او را منحرف کند و شراب بدهد و از مسلمان شدن منصرف نماید! در این زمان بود که آیه شریفه^۷: «و من الناس من یشتري لهُو الحدیث لیضل عن سبیل الله» نازل شد. ابو حامد غزالی در احیاء علوم الدین^۸ در مبحث سماع و غناء می‌گوید: تحریم خرید و فروش مغنیه در این آیه ناظر به آن دسته از کنیزکانی است که در مجالس حرام برنامه

اجرا می‌کردند. یعنی مجلس شرابخواری و هرزگی و اختلاط زنان و مردان و... نه مطلق خرید و فروش خواننده‌هایی که برای مالکان و صاحبان خود می‌خوانند. در یمن دو نوع موسیقی اجرا می‌شد: یکی موسیقی مطربی و لهوی که معروف بود به «حمیری» و دیگری لحن و شعر متعالی‌تری داشت و موسوم بود به «حنفی». لذا ابن عباس می‌گوید که آیهی شریفه^۹: «و تضحکون و لا تبکون انتم سامنون» نهی نوع غناء حمیری است و سامنون در لغت اهل حمیر به معنای غناء است.

واژه قول زور هم در آیهی شریفه: «والذین لا یشهدون قول الزور»^{۱۰} هم به غناء تفسیر شده، که قرآن کریم در توصیف مؤمنان می‌گوید: «مؤمنان کسانی هستند که کلام ناحق و سخن باطل که غناء هم از آن نوع است، گوش فرا نمی‌دهند.» البته در کتاب مقدس هم چه عهد عتیق و چه انجیل، نهی غناء وارد شده است.^{۱۱}

غیر از قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) خرید و فروش مغنیه را حرام اعلام کرد. احادیث «ثمن المغنیه سحت»^{۱۲} در کتب و مراجع حدیثی سنی و شیعی با سندهای متفاوت وارد شده است. اما هیچ حدیثی که بگوید مطلق غناء (آواز) حرام است یا اساساً غناء تعریف منطقی و مشخصی دارد، از هیچ امام صادر نشده، شاید به این دلیل بوده که در فرهنگ عرب به خدا یا حدی که از آوازهای ساده عرب جاهلی برای ساربانها بوده و هنگام شترسواری سر می‌دادند هم غناء اطلاق می‌شد چنانکه به صوت کبوتر و بلبل هم غناء می‌گفتند. پس منظور،

در یمن دو نوع موسیقی اجرا می‌شد: یکی موسیقی مطربی و لهوی که معروف بود به «حمیری» و دیگری لحن و شعر متعالی‌تری داشت و موسوم بود به «حنفی»

غناء مخصوصی که در آن شرایط خاص اجرا می‌شد و با آن اشعار تحریک‌آمیز و فتنه گر که یا تشبیب بود یا غزل اباحی، در نظر بوده است. چنان که در داستانهای از این کتاب خواهید خواند که مثلاً اَعشى، اگر نسبت به دختری تشبیب می‌کرد و در وصف جمال او شعر می‌سرود، او معروف می‌شد، اگر ازدواج نکرده بود، به زودی شوهر می‌کرد و اگر زن بود که زبانه‌زد خاص و عام می‌شد و حیثیت و آبرویش لکه‌دار می‌گشت. در مقابل احادیثی در تحسین صدای زیبا و خواندن قرآن به الحان عرب و با صوت خوش از پیامبر اسلام (ص) نقل شده است.

در آن زمان به غناء رایج، لهُو و لعب و طرب هم اطلاق می کردند. مجالس طرب به همان مجالسی گفته می شد که اسلام با وجود آنها مخالفت کرد. به همین دلیل به سازهای موسیقی آلات طرب و ملاحی اطلاق کرده اند، چنان که ابن خردادبه کتابی به نام «اللُهو و ملاحی» تألیف کرده است.^{۱۳} هر چند پیامبر اسلام تلاش فراوانی برای نابود ساختن این گونه مظاهر شرک و فسق و فساد کردند، اما در زمان ایشان مطلق این امور برچیده نشد. در عهد خلفای اهل سنت هم آداب جاهلی در اشکال دیگری ظهور کرد. روزی عمر خطاب در شهر قدم می زد. در یکی از میادین دید دو کنیزک خواننده این شعر را می خوانند: تغنین تغنین (بخوانید بخوانید) قللهو خلقتن (که برای لُهو خلق شدید)

عمر تازیانه بر گرفت و بر آنان بناوخت و گفت: «دروغ می گوید. خدا شما را برای سرگرمی پوچ خلق نکرده، خدا شیطان را خوار و ذلیل کند که شماها را به این روز انداخته است.»^{۱۴}

اما از آنجا که شرایط زمانی و مکانی باعث تغییر و تحول امور فرهنگی و اجتماعی و شکل گیری اخلاق و رفتار و احوال انسان می شود، رفته رفته موسیقی که شامل خواندن غزلهای اباحی (لابالی گری) بود، در جامعه اسلامی همچون شعر متحول شد، شاعران هم متحول شدند. در عصر جاهلی به اقتضای آن جو فاسد فرهنگی غزلهای عاشقانه منحط سروده شد، مدام اشعار تشبیبی گفته می شد، قصیده هایی بلند در بیعت، جامه بدبازار شتر و شراب و فخر فروشیها...

یا آهنگ نصب خوانده می شد. در لسان العرب ذیل واژه «نصب» می گوید: «نصب یعنی بت» و این که می گفتند: «کلهم کان ینصب» یعنی «همه غناء نصب می خواندند.» و در توصیف و تکریم بتها آهنگ می سرودند.^{۱۵} اما در عهد اسلامی غزل اباحی جای خود را به غزل عقیف داد، زیرا تشبیب نکوهیده شد^{۱۶} و ساختار و محتوای اشعار تعالی گرفت. در دوران جاهلی آهنگهای رقص که هزج و خفیف بود، جای خود را به آهنگهای سناد و ثقیل داد که سنگین تر و متعالی تر بود.

فتوحات اسلامی در زمان خلفای سه گانه و عصر طلایی امام علی (ع)، دستاوردهای مهمی به همراه داشت. مردم شهرها و کشورهای ایران و روم به اسلام گرویدند. غنائم بسیاری به دست آمد. اسیران و غلامان و کنیزکان بیشماری نصیب مسلمین شد. در زمان عثمان و ابوبکر پول و ثروت در دست مردم فزونی گرفت. اطرافیان و وابستگان آنان به اموال بی حساب رسیدند. قناعت و زهد جای خود را به دنیازدگی و زیاده خواهی داد. حرفه های اسیران و کنیزکان تحولی در جامعه مسلمین ایجاد کرد. زندگی متملن و با ذوق مردم ایران در زندگی اعراب تازه مسلمان تأثیر بسیار گذاشت. پوشش لباسها، ساختمان سازی و تزیین خانه ها، اصول شهرسازی و... ساختار اجتماعی شهرهای حجاز و عراق را تغییر داد. اسیرانی که ادیب و هنرمند بودند، شعر و موسیقی رایج آن دوران را تحت تأثیر قرار می دادند. تلفیق شعر و آهنگهای ایرانی و عربی؛ و عربی و رومی باعث تحول حیات موسیقی عربی شد. چهارچوبها و اصول و قواعد موسیقی روشنتر می شد. این قتیبه در «المعارف» می گوید: «قرآن بر اساس همان اصول و قواعدی خوانده می شود که خوانندگان، آواز می خوانند.» این سخن سنجیده ای ابن قتیبه نشان از آگاهی او از اصول موسیقی آوازی دارد. حنجره ای انسان توان اجرای مقامها و گوشه های محدودی دارند که این گوشه ها در طول تاریخ موسیقی تحول و تطویر یافته و کمتر از ۵۰۰ گوشه ای موسیقی آوازی معتبر، تاکنون به ظهور و ثبت رسیده است.

دوران بنی امیه

اما متأسفانه پس از شهادت امیر مومنان علی (ع) معاویه حاکم بلاد اسلامی شد. او که پسر هند جگر خوار و ابوسفیان سرکرده ای مخالفان اسلام بود، خواست انتقام اجداد خود را از پیامبر بگیرد و تمام نشانه های نبوت را محو کند. معاویه دستور داد امام علی (ع) را بر سر منابر لعن و نفرین بفرستند و نام او را از زبانها بیندازند. بدیهی بود که او همان مظاهر فساد و فحشا را که در جاهلیت رایج بود، دوباره احیا کند تا مردم نام پیامبر اسلام (ص) را هم فراموش کنند. او نخستین خلیفه ای بود که پس از جاهلیت، شیوه ای خوانندگی قینه ها را ترویج کرد.^{۱۷} اما ابوالفرج اصفهانی معتقد بود که یزید نخستین خلیفه ای بود که خوانندگان را وارد دستگاه خلافت

آنچه در این کتاب می‌خوانید، داستان زندگی خوانندگان و شاعرانی است که در یکی دو قرن اولیه اسلام پیدا شده‌اند و سیر تطور موسیقی را گزارش کرده‌اند. در عصر عمر بن عبدالمطلب که تنها خلیفه صالح و علاقه‌مند به اهل بیت و دوستار امام علی (ع) بود، با خوانندگی و نوازندگیهای لهنوی گونه مبارزه شد. والیان ایشان دستور جمع آوری مغانیان را دادند. هر چند خود وی در شعر و شاعری دستی داشت و از صدای خوش بهره‌مند بود، لیکن اغلب به تلاوت قرآن مشغول بود تا به خوانندگی. در زمان وی بود که طویس خواننده غناء متفن را ترویج کرد وی آواز را هماهنگ با قواعد عروضی و ایقاعات شمری با شکل هنرمندانه‌ای ارائه می‌کرد که مورد توجه همه اهل ذوق قرار می‌گرفت. گرچه پیش از آن، آهنگهای سبک هزج و رمل که با وزنهای سبکتر و ریتمیک (رقص آور) بود، اجرا می‌کرد. اما دو سه سالی نگذشت که با مسموم کردن عمر بن عبدالمطلب اوضاع به حالت قبلی بازگشت و روز به روز اوضاع فرهنگی و اجتماعی مردم خراب‌تر می‌شد. بی‌حجابی در عصر یزید رواج بیشتری پیدا کرد. عایشه دختر طلحه آرایش می‌کرد و در کوی و برزن تردد می‌کرد.^{۱۹}

عاتکه دختر یزید از او بدتر ظاهر می‌شد. قمار بازی و نردبازی و شطرنج بازی (که نوعی وسیله قمار بود) دوباره رواج یافت. ۲۰ افسانه‌گویان و پرده‌خوانان زیاد شدند. مراکز شرب خمر (بار) و کباب‌ها (حانات) رواج یافته چنان که در جاهلیت رسم بود. دوباره سر و کله مخنثین هم پیدا شد. اینان با پوشیدن لباسهای زنانه و آرایش‌های زننده که اغلب در خوانندگی سبک لهنوی هم بهره‌ای داشتند، در مجالس طرب و محافل عیش و نوش و عشرتکده‌ها حاضر می‌شدند و جوانان را به فسق و فجور می‌کشاندند.^{۲۱} بنت الشاطی نویسنده سنی مذهب مصری، این امور را جزء سیاست حساب شده فرهنگی بنی‌امیه و بنی‌عباس ذکر می‌کند.^{۲۲} ابوالفرج می‌نویسد: «در کوفه شخصی بود به نام ابن رامین که دکان مشروب فروشی داشت. دو خواننده معروف به نام سلامة الزرقا و سعده داشت که برای مشتریان برنامه اجرا می‌کردند.»^{۲۳}

امام موسی بن جعفر (ص) سالها در زندان هارون بود تا همان جا به شهادت رسید. امام رضا (ع) دچار مکر و حيله مدام مامون بود. اینان نیز از ترویج مراکز لهنو و لعب و حانات (کباب‌ها) ممانعت نمی‌کردند. در دربار هارون بیش از دو هزار کنیزک بود که برخی از ایشان از خوانندگان و نوازندگان تربیت شده ابراهیم موصلی بودند.

اما آنچه در خور توجه است اینکه سیر تحول و تطور علمی موسیقی می‌رفت که به اوج خود برسد. ابراهیم موصلی و پسرش اسحاق موصلی اصول علمی موسیقی عربی را پایه‌ریزی و تثبیت کردند. اسحاق موصلی - نابغه‌ی بی‌بدیل - دستاورد پیشینیان را تهذیب و تنقیح کرد و از زواید و آلودگیها پاکیزه ساخت و اصول و قواعد علمی موسیقی‌سازی و آوازی را بنیان نهاد. قطعاً اسلام با موسیقی علمی اسحاق موصلی مخالف نیست. آنچه اسلام - قدر مسلم - با آن مخالف است، موسیقی لهنوی و فسادانگیز است که همیشه در مجالس عیش و نوش اجرا می‌شده و کسانی مجربان آن بوده‌اند که خود فتنه‌گر و اغوا کننده بوده‌اند. آنچه من درصدد تبیین آن هستم این است که اسلام عزیز با زیبایی و هنر، نه تنها مخالف نیست که مشوق هم هست. اسلام با مظاهر فسق و فجور، کفر و نفاق، زندقه و الحاد، فتنه و فساد، پرده‌داری و هرزگی، غفلت از یاد خدا و مستی و سستی مبارزه کرده است.

البته یادآوری این نکته لازم است که ابراهیم و اسحاق موصلی هنر موسیقی را با وجود موقعیت فرهنگی و سیاسی

قطعاً اسلام با موسیقی علمی اسحاق موصلی مخالف نیست. آنچه اسلام - قدر مسلم - با آن مخالف است، موسیقی لهنوی و فسادانگیز است که همیشه در مجالس عیش و نوش اجرا می‌شده و...

حاکم در دربار خلفای عباسی حفظ کردند، هر چند خود گاه در برخی مصادیق فساد غوطه می‌زدند و شراب و یاده از کف نمی‌نهادند و از خطاهای نفسانی مصون نبودند، اما داستان زندگی هر دو آنها را طوری آوردیم که گاه توبه می‌کردند و به خاطر همین توبه به زندان می‌افتادند و حتی مجبور می‌شدند توبه‌شان را بشکنند و به اجبار به خواست خلیفه، ساز بنوازند و آواز بخوانند. به طور کلی از جمله نکاتی که در شرح احوال مستمعان و بینندگان اجراهای موسیقی در تاریخ می‌خوانیم حکایات فراوانی است که در آنها حالات متفاوت مستمعان شرح داده شده است.

عصر بنی عباس

با سقوط سلسله امویان، حکومت سلسله عباسیان آغاز شد. در زمان هارون الرشید و مأمون عباسی دانش و هنر توأمآ رواج گسترده‌ای یافت. رفت و آمد دانشمندان و هنرمندان از دیگر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به تنویر افکار عالمان کمک بسیار کرد. خلفای عباسی اغلب به هنر و دانش گرایش داشتند. در شاعری و خوانندگی و نوازندگی هم بی‌بهره نبودند. هر چند برای حفظ قدرت سیاسی خود هر گونه صدای حقی را در گلو خفه می‌کردند! امام صادق (ع) به دست منصور دوانیقی دومین خلیفه عباسی شهید شد.

حالات طرب

می‌دانیم که اغلب ادبا و اهل لغت غناء را صوت مطرب معنا کرده‌اند. و طرب حالتی است که شنونده از فرط خوشی، از حالت طبیعی خود خارج شود. البته این حالت شدت و ضعف دارد. انواع حالات را در داستانهای کتاب اغانی نقل شده. البته از خلال بررسیهایی که انجام داده‌ام، شدت و ضعف این حالات به چیزهای زیادی بستگی داشته است. مثلاً شنونده ذاتاً و غریزه با ذوق و هنر باشد. تا چه حد از پیاله‌ی شراب سرمست شده باشد؟ خواننده برده‌ی سیاه باشد یا سیمایی داشته باشد چون قرص ماه؟ آهنگی که می‌خواند دارای وزن و ایقاع (ریتم) باشد و شنونده را به رقص وادارد یا ملودی آرام داشته باشد؟

شعری که انتخاب کرده در وصف معشوقه‌ی شنونده باشد یا با صفات معشوقه‌ی او تطابق داشته باشد؟ نوازنده چقدر در همراهی خواننده توفیق داشته باشد؟ اگر خواننده مرد است، شنونده زن باشد یا مرد باشد و برعکس؟ خواننده زیبا و با جمال باشد و نوازنده چیره دست و با کمال و ساقی خوش سیما و سیمین ساق؟! و...

این خردآبیه^{۳۳} که پیش از ابوالفرج کتاب «اللهو و الملاهی» را تألیف کرده، می‌گوید: طرب سه نوع است: ۱. طربی که از آوازها و نواهای موزون و محرک در انسان ایجاد می‌شود. ۲. طربی که با یادآوری ایام خوش گذشته و افسوسها و حزن و اندوه در انسان حادث می‌شود. ۳. طربی که در اثر استماع صدا و نوایی خوش در شنونده حاصل می‌شود، در این نوع هم خواننده در هنر خود ماهر است و هم شنونده آشنا با ظرایف و نکات دقیق هنری آن اجرای آواز یا ساز. اما طرب منحصر در استماع آواز یا ساز نیست، یا مخصوص انسان نمی‌باشد. شبی یکی دو ساعت پایگاه اینترنتی «www.alwarag.com» که یک کتابخانه حدوداً هزار جلدی به طور رایگان (online) در شبکه جهانی است و اغلب کتب مهم تاریخی و ادبی کهن زبان عربی را مشتمل است، بررسی می‌کردم.

کلید واژه «طرب» را در خانه‌ی «بحث» (search) نوشتم و تحقیق خود را آغاز کردم، در توضیح طرب این موارد به دست آمد: «طرب انسان از صدای بلبل و کبوتران، طرب استشمام بوی خوش، طرب از شعر، طرب شتر از خدای بر روی دست و پا زدن از طرب، به وسط پریدن، سینه چاک کردن، در آب پریدن، غش کردن، رقصیدن، بذل و بخشش لباس در تن کردن، سگه‌ها و صله‌های بی‌حد و حساب دادن، املاک بزرگ عطا کردن، عزل و نصب خلافت را به خواننده، سپردن! دست و پای خواننده را بوییدن و بوسیدن! ریش سوختن، عقل و دین را ارزان باختن، هزاران درهم و دینار از خزانه بیت‌المال بخشیدن و طربی که منجر به زوال عقل شود، طرب از شنیدن کلامی فصیح و بلیغ و...»
حال آیا هر صدایی که موجب هر طربی می‌شود، مذموم

است؟ تمام مواردی که باعث طرب زیاد شده و عقل را تحت تأثیر قرار داده، مواردی بوده است که مستمع در مجلس حاضر و ناظر بوده و خواننده و نوازنده با اجرای آهنگهای لهوی حضار را متأثر می‌کرده است. در این مجالس همیشه شراب ناب در کف هر یک بوده و رقص و بدن‌نمایی و عشوهرگری و... وجود داشته. از امرالقیس نقل است که می‌گفت:

فلا تشرب بلا طرب فأنی

رایت الخیل تشرب بالصغیر

«هرگز شرابی بدون غناء و طرب ننوش که من اسبان را دیدم یا شنیدن سوت آب می‌نوشند».

از اغانی ابوالفرج دانسته می‌شود که هر گاه خواننده یا آهنگهای لهوی، اشعار متناسب آن را اجرا می‌کرده و جو مجلس هم مساعد بوده، نسبت به مرد و زن بودن، نوع طرب متفاوت بوده و زوال عقل به آنها بستگی داشته است. در مورد حیوانات نیز از قدیم الایام به تأثیر صدا بر جان آنها اعتراف شده است در عقد الفرید^{۲۵} آمده است که زنبور عسل با صدای خوش، تخم‌ریزی را آغاز می‌کند. امروز استفاده از موسیقی در تکثیر و ازدیاد شیر گاوها و تخم‌ماکیان متداول است و از همه مهمتر، دانش موسیقی درمانی، جزء دانشهای پیشرفته به حساب می‌آید.

پی‌نوشتها:

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه بین‌المللی علوم اسلامی لندن
۲. ج ۸ ص ۹۳ چاپ بولاق
۳. ج ۳ ص ۱۸۰
۴. ثلاث رسال، چاپ سلفیه، ۱۳۳۴ هـ
۵. قرآن می‌فرماید: «و ما کان صلاحهم عندالله الا مکاء و تصدیه» انفال ۳۵/
۶. مروج الذهب، مسعودی، ج ۸ ص ۹۳ چاپ بولاق
۷. لقمان / ۶ رجوع شود به تفاسیر کشاف و المیزان ذیل همین آیه.
۸. ج ۲ ص ۲۸۲ چاپ بیروت
۹. النجم / ۶۱
۱۰. فرقان / ۲۷
۱۱. صحیفه اشعیاى نبی، فصل ۵، آیه ۱۱، کتاب مقدس ترجمه فاضل خان همدانی، اساطیر، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱۰
۱۲. دلدن پول بابت خواندن زن خواننده حرام است. ر. ک. وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۸۷ چاپ بیروت و قرب الایستاد حمیری ص ۱۲۵ چاپ موسسه آل‌البیت قم
۱۳. تحقیق عباس الفراوی، چاپ بغداد
۱۴. البلقان، ابن فقیه، ص ۴۳
۱۵. مروج الذهب ج ۸ ص ۹۳
۱۶. حدیث الاربعاء، طه حسین، ص ۱۹۲
۱۷. مروج الذهب ۱۵۶/۵ چاپ مصر
۱۸. اغانی ۷/۱۶ چاپ قاهره
۱۹. اغانی، ج ۱۰، ص ۵۳ چاپ قاهره
۲۰. اغانی، ج ۴ ص ۵۲، چاپ قاهره
۲۱. اغانی، ج ۲ ص ۳۶۰، چاپ قاهره
۲۲. السیده سکینه، دارالکتب العربی، ص ۱۶۲، بیروت، ۱۳۰۶ هـ
۲۳. اغانی، ج ۱۰، ص ۱۲۸
۲۴. اغانی، ج ۱۰، ص ۹۸
۲۵. عقد الفرید، ابن عبد ربّه، ج ۲، ص ۱۸۲ چاپ قاهره